

## وقتی چند دندان مصنوعی دنیا را تکان داد!



«استیون اسپیلبرگ» یکی از شناخته‌شده‌ترین فیلمسازان مکتب نیویورک است، اما این پیوستگی مکتبی با ساخت فیلم «برخورد نزدیک از نوع سوم» به نوعی وابستگی نمادین شد. عمده منتقدان و کارشناسان سینما اسپیلبرگ را پس از نخستین فیلم علمی - تخیلی‌اش - برخورد نزدیک از نوع سوم - کارگردانی در مقام تکنیسین می‌دانند و ساخت تالیف برایش قائل نیستند.

«استیون اسپیلبرگ» یکی از شناخته‌شده‌ترین فیلمسازان مکتب نیویورک است، اما این پیوستگی مکتبی با ساخت فیلم «برخورد نزدیک از نوع سوم» به نوعی وابستگی نمادین شد. عمده منتقدان و کارشناسان سینما اسپیلبرگ را پس از نخستین فیلم علمی - تخیلی‌اش - برخورد نزدیک از نوع سوم - کارگردانی در مقام تکنیسین می‌دانند و ساخت تالیف برایش قائل نیستند. همین منتقدان سختگیر رادیکال، سه فیلم نخست اسپیلبرگ یعنی دوئل (1971)، شوگرلند اکسپرس (1974) و آوارها (1975) را آثار مولفی می‌دانند و فعالیت پسادده هشتادی او را در ترازوی تالیف قرار نمی‌دهند و نسبت مولف بودن در موردش به کار نمی‌برند. «آوارها» - که بتازگی از شبکه نمایش سیما پخش شد - یکی از شاهکارهای استیون اسپیلبرگ است؛ فیلمی که عامدانه همچون دو اثر قبلی استیون یعنی دوئل و شوگرلند در محتوا، مبتنی بر مولفه روایی تقابل شکل گرفته است. فیلم «دوئل» براساس تقابل انسان با ماشین، «شوگرلند اکسپرس» براساس تقابل انسان، تمدن و قانون و آوارها براساس گزاره تقابل انسان با طبیعت ساخته شده است.

### تقابل انسان و طبیعت

اسپیلبرگ در آوارها از تمام آموخته‌ها و میزانشن‌های هراس بهره کافی را برده و برخلاف فیلم «دوئل» از بازیگر کمتری استفاده کرد.

استیون قبل از ساخت مجموعه آثار علمی - تخیلی خود در گروه فیلمسازان مولف دسته‌بندی می‌شد. فیلمنامه‌ای که کمپانی یونیورسال به استیون داده بود، افسونگری اثر ساخته شده را نداشت. زمانی که به محل فیلمبرداری، سواحل لانگ آیلند رسیدند، استیون احساس کرد دلش نمی‌خواهد این فیلم را با چنین فیلمنامه‌ای بسازد و خواست کمی فیلمنامه را تغییر دهد. فیلمنامه اصلی را پیتر بنچلی درباشناس نوشته بود، اما استیون در هفته اول فیلمبرداری را متوقف و کارل گاتلیب را به محل فیلمبرداری دعوت کرد و فیلمنامه اولیه را دوباره‌نویسی کردند. ابتدا قرار بود کوسه مکانیکی فیلم آوارها در متن اثر نمایش داده شود، اما استیون خیلی خوشحال بود از این‌که کوسه مکانیکی در آب دریا دچار مشکل می‌شود و به همین خاطر، استیون باز هم فیلمنامه را کمی به سلیقه خود تغییر داد، اما حین فیلمبرداری مشکل دیگری گریبان استیون را گرفت که مشکل دوم باز هم در روند بهبود فیلم تاثیر شگرفی گذاشت. عمدتا در محل فیلمبرداری با بارش باران، هوای دریا توفانی می‌شد و همین عامل طبیعی به کمک استیون آمد تا صحنه‌های بهتر و طبیعی‌تری را فیلمبرداری کند.

### هزینه سرسام آور

بازیگران این فیلم حین ساخت اعصاب کردند و مشکلاتی که اسپیلبرگ با آن دست به گریبان بود، چند برابر شد. هزینه ساخت به شکل صعودی و سرسام‌آوری در حال افزایش بود. هزینه تولید فیلم به 14 میلیون دلار رسیده بود. (در سال 1974 این رقم چیزی معادل 140 میلیون دلار بود). ریچارد دریفوس، بازیگر نقش هوپر هم قبل از اکران، نمک حسابی روی زخم‌های تیم سازنده پاشید و در برنامه سینما ریپورت شبکه ABC استیون اسپیلبرگ را فیلمساز بی‌مقدار و کارنابلد توصیف کرد و گفت آخرین ساخته او به یک فاجعه تبدیل خواهد شد.

بالاخره پس از یک ماه فیلم تدوین شد و ریچارد دی زانوک (تهیه‌کننده) آن را در سینمایی کوچک به صورت محدود اکران کرد. نخستین صدای جیغ که در ابتدای فیلم شنیده شد، دیوید براون از داخل لژ مخصوص مهمان رو به ریچارد دی زانوک کرد و با همان قیافه جدی و متحیرش گفت فیلم حسابی خواهد فروخت. فروش 26 میلیون دلاری برای استیون یک موفقیت حسابی بود. فیلم استیون اسپیلبرگ به یکی از پرفروش‌ترین آثار تاریخ سینما بدل شد.

### علیرضا پورصباغ

### جام‌جم